

زبان و ادب فارسی  
(نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز)  
سال ۶۸، پاییز و زمستان ۹۴، شماره مسلسل ۲۳۲

## مقایسه ساختاری داستان های همای و همایون خواجهی و سلامان و ابسال جامی براساس نظریه ولادیمیر پراپ

لیلا عدل پرور

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر حمیدرضا فرضی\*

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

دکتر علی دهقان

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

### چکیده

تحلیل ساختاری پراپ روش عملی و دقیقی است که می‌توان آن را بر روی قصه های ادب فارسی، به خصوص منظومه های غنایی و حکایات عرفانی و تعلیمی نیز اعمال کرد. هدف از این تحقیق آن است که همای و همایون خواجهی کرمانی و سلامان و ابسال جامی طبق الگوی پیشنهادی پراپ و براساس نقد ساختار گرایانه وی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. برای این منظور ابتدا مقدمه ای درباره تعریف و تبیین ریخت شناسی، روایت شناسی، روش مطالعاتی پراپ، و معرفی خواجهی کرمانی و قصه های همای و همایون و معرفی جامی و قصه سلامان و ابسال مطرح شده است. برای مقایسه ساختاری این دو داستان از نظر کارکردها، صحنه آغازین، راه های ترکیب حکایات، بسط داستان، شخصیت ها و صفات شخصیت ها جدولی تنظیم گردید تا تفاوت ها و شباهت های ساختاری این دو اثر براساس جدول ها، تحلیل و بررسی شود. یافته های این پژوهش گویای تطابق داستان همای و همایون و سلامان و ابسال با کارکردهای ریخت شناسانه پراپ است. مقایسه ساختاری داستان همای و همایون با سلامان و ابسال بیانگر این است که هر دو اثر از نظر خویشکاری ها، شخصیت ها، و صفات اشخاص قصه، ساختار حکایات، نوع بسط و صحنه آغازین ساختاری مشابه دارند.

**کلیدواژه ها:** پراپ، همای و همایون، سلامان و ابسال، مقایسه ساختاری، حرکت و بسط داستان

تاریخ وصول: ۹۳/۷/۲۳

تأیید نهایی: ۹۴/۱۰/۲۵

\*.Email: farzi@iaut.ac.ir.

## ۱- مقدمه

با روش ریخت‌شناسی پراپ، اجزای سازنده قصه‌ها (عملکردها، شخصیت‌ها، ساختار قصه) آشکار می‌شود. براساس تحلیل وی می‌توان به مبنای جدیدی برای رده‌بندی قصه‌ها، براساس ویژگی‌های دقیق ساختاری دست یافت.

این تحقیق با رویکردی تحلیلی، توصیفی به بررسی نظریه پراپ بر روی داستان غنایی همای و همایون و داستان عرفانی- تمثیلی سلمان و ابله می‌پردازد تا مشخص گردد این داستان‌ها تا چه اندازه با نظریه پراپ انطباق دارند و تشابه‌های ساختاری این دو اثر کدامند؟

نسخه مورد استفاده همای و همایون در متن تحقیق، تصحیح کمال عینی، و نسخه مورد استفاده سلمان و ابله به تصحیح محمد روشن است.

از آن جا که نظریه پراپ ریشه در جنبش فرمالیسم و اندیشه‌های ساختارگرایان دارد، لذا قبل از شروع بحث لازم است اصول عقاید و نگره‌های این مکاتب و همچنین مباحث زبان‌شناسی جدید، که در شکل‌گیری نظریه پراپ نقش عمده‌ای داشت، بررسی شود.

## ۱-۱- بیان مسأله

ساختارگرایی یکی از مهم‌ترین جنبش‌های فرمالیستی است که در دهه‌های اخیر نقش مهمی در تجزیه و تحلیل آثار ادبی ایفا کرده است و همان‌گونه که «بررسی شعر را دگرگون ساخت، در بررسی داستان نیز انقلاب کاملاً جدیدی به نام روایت‌شناسی را بنیان گذارد.» (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۴۳)

«ساختارگرایی در اصل از اندیشه‌های زبان‌شناس سوئیسی فردینان دو سوسور (Ferdinand de Saussure) سرچشمه می‌گیرد. او کسی بود که در ابتدای قرن بیستم در مطالعه زبان، انقلاب به وجود آورد. زبان‌شناسی قرن نوزدهم منحصر می‌شد به مطالعه تاریخ زبان و زبان‌شناسان این دوره، ریشه‌های واژه‌ها را تک‌تک مطالعه می‌کردند و می‌کوشیدند قوانین هدایت‌گر فرایند تغییر و تحولات زبانی را نظام‌مند سازند. سوسور راه کاملاً متفاوتی را در پیش گرفت. او به جای رویکرد تاریخی، رویکردی غیر تاریخی و بسیار انتزاعی را برگزید.» (برتنس، ۱۳۸۴: ۶۹)

«یکی از اهداف تجزیه و تحلیل‌های ساختاری، آگاه‌شدن از جهان‌بینی نهفته در پشت این پدیده‌هاست. اگر شناخت الگوهای ساختاری بتواند خدمتی به توصیف نهاد جهان‌بینی خود ما یا جهان‌بینی دیگر مردمان کند در این صورت وسیله‌ای برای شناخت بهتر طبیعت و سرشت انسان و در نتیجه شناخت بهتر جامعه خاص انسانی است.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴)

«ساختارگرایان همواره بر آن بودند که به الگوهای روایتی مشخص دست‌یابند. مهم‌ترین پژوهشی که در این زمینه ارائه شده کار ولادیمیر پراپ (۱۹۷۰-۱۸۹۵)، مردم‌شناس روسی است. کتاب ریخت‌شناسی حکایت او در سال ۱۹۸۲ چاپ شد و ترجمه انگلیسی آن در سال ۱۹۸۵ تحت عنوان ریخت‌شناسی قصه‌های عامیانه باعث شهرت این کتاب گردید. تجزیه و تحلیل ساختارگرایانه او از قصه‌های پریان، دوره جدیدی در بررسی قصه‌های عامیانه در جهان پایه‌ریزی نمود.» (هاوکس، ۱۹۹۷: ۲۶)

«یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های پراپ، تقسیم‌بندی قصه‌هاست، پژوهش‌گران پیش از او قصه‌ها را بر مبنای موضوع یا درون‌مایه طبقه‌بندی می‌کردند، اما وی به دنبال تجزیه ساختارگرایانه قصه‌ها بود.» (مارتین، ۱۳۸۲: ۶۵)

«وی دریافته بود که اگر بسیاری از قصه های عامیانه و پریان روسی به دقت بررسی شود، عملاً یک داستان بنیادین و مشابه در تمامی آن ها یافته خواهد شد.» (اسکولز، ۱۳۷۹: ۱۰۲)

پراپ با انتخاب و بررسی صد قصه به این نتیجه رسید که افراد و شخصیت های قصه ها متنوع و گوناگونند ولی کارهایی که انجام می دهند از شمار معینی تجاوز نمی کنند. آن گاه واحد سازنده روایت را «کارکرد» نامید. پراپ به سی و یک کارکرد دست یافت. و برای هر کارکرد، نمادی خاص تعیین کرد.

#### جدول شماره ۱- خویشکاری پراپ

رسیدن به صورت ناشناس O	اولین بخشنده D	غیبت $\beta$
ادعای قهرمان دروغین L	واکنش قهرمان E	قدغن $\delta$
کار سخت M	دستیابی به وسیله سحر آمیز F	سرپیچی $\gamma$
انجام کار سخت N	انتقال به سرزمین دیگر G	خبرگیری $\eta$
شناسایی Q	مبارزه H	خبردهی $\zeta$
افشاگری $E_x$	علامت گذاری J	نیرنگ $\xi$
تغییر شکل T	پیروزی I	همکاری ناخواسته $\theta$
مجازات U	رفع شر $K$	کمبود a یا شر $A$
عروسی W	بازگشت $\downarrow$	میانجی گری B
	تعقیب Pr	مقابله آغازین C
	نجات $R_s$	عزیمت $\uparrow$

#### ۲- پیشینه تحقیق

پس از پراپ، مطالعات بسیاری در کشورهای مختلف انجام شد. در ایران پگاه خدیش (۱۳۸۴) درباره ریخت شناسی افسانه های جادویی ایران تحقیقاتی انجام داد و به نتایج

ارزنده‌ای دست یافت. جلالی‌پور (۱۳۹۱) درباره ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی تحقیق کرده و به ۲۱ کارکرد دست‌یافت. علاوه بر این‌ها مقالاتی نیز درباره ریخت‌شناسی برخی متون نوشته شده است:

قافله‌باشی و بهروز (۱۳۸۶) «ریخت‌شناسی حکایت‌های کشف‌المحجوب و تذکره‌الاولیاء» را بررسی و تحلیل کرده‌اند. ذوالفقاری (۱۳۸۹) با «ریخت‌شناسی افسانه عاشقانه گل بکاولی» معتقد است می‌توان نظریه پراپ را در مورد قصه‌های پریان ایرانی و هندی تسری داد. یوسفی نیکو (۱۳۸۹) با جستجو در «داستان پیامبران در تفاسیر سورآبادی و طبری» ۲۶ خویش‌کاری مشاهده کرد. پارسا و صلواتی (۱۳۸۹) با «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله‌و‌دمنه» نتیجه گرفتند پنجاه و هفت حکایت این اثر، دارای سی و چهار خویش‌کاری و صد حرکت است. عباسی (۱۳۸۹) با «نقد و بررسی قصه گنبد سفید» معتقد است «سازه‌های قصه گنبد سفید» براساس ریخت‌شناسی قصه پریان قابل تنظیم است. روحانی و قادیکلایی (۱۳۹۰) در بررسی «قصه دیوان در شاهنامه فردوسی» نشان داده‌اند که الگوی پراپ با این قصه‌ها هم‌خوانی دارد.

### ۳- معرفی مختصر خواجه و جامی و همایون و سلامان و ابسال

#### ۳-۱- خواجه کرمانی

«کمال‌الدین ابوعطا محمود بن علی بن محمود کرمانی، متخلص به خواجه، معروف به نخل‌بند شعرا متولد کرمان در سال ۶۹۸ ه. است.» (سبحانی، ۱۳۸۲: ۴۲)

«مجموعه آثارش قریب چهل و چهار هزار بیت است. دیوانش شامل دو بخش صنایع‌الکمال و بدایع‌الجمال است. دیگر آثار او عبارتند از همای و همایون، گل و نوروز، کمال‌نامه، روضه‌الانوار، گوهرنامه، سام‌نامه. گزیده اشعارش به نام مفاتیح‌القلوب است. دو رساله دیگر به نام‌های «سبع‌المشانی» و «مناظره شمس و سحاب» دارد. وفاتش در شیراز در سال ۷۵۳ ه. واقع شده و آرام‌گاهش در شیراز در بیرون دروازه الله اکبر است.» (صفا، ۱۳۷۲: ۴۴-۴۸)

همای و همایون مثنوی عاشقانه‌ای است در باره عشق همایون به همای دختر فغفور چین به بحر متقارب که خواجه آن را در سال ۷۳۲ در ۴۴۰۷ بیت به اتمام رسانید. در این منظومه گذشته از نظامی تأثیر سبک شاهنامه کاملاً محسوس است. (رضازاده، ۱۳۶۹: ۳۸۳)

منظومه همای و همایون خواجه، در میان همانندهای خود سرنوشتی استثنایی یافته است؛ بدین ترتیب که سال‌ها بعد گوینده ناشناس با تبدیل و تغییر و حذف اسامی، واژه‌ها و ابیات، و افزودن افسانه‌هایی از پریان و دیوان، منظومه سام‌نامه را در بیش از ۱۴۵۰۰ بیت پدیدآورده است. (یان‌ریپکا، ۱۳۸۳: ۳۰۵)

#### ۳-۲- جامی

«نورالدین عبدالرحمان ملقب به ابوالبرکات و متخلص به جامی (۲۳ شعبان ۸۱۷ - ۱۸ محرم ۸۹۸ ه. ق) ملقب به خاتم‌الشعرا، شاعر و عارف بزرگ ایرانی در خرجرد جام متولد شد. برخی از آثار جامی عبارت‌اند از: دیوان قصاید و غزلیات، مثنوی هفت‌اورنگ، بهارستان، رساله وحدت وجود، شرح مثنوی، نفحات‌الانس و منشآت و...» (عبادزاده کرمانی، ۱۳۷۲: ۵۹)

«دومین مثنوی هفت‌اورنگ، سلامان و ابسال است که منشأ در اندیشه یونانی دارد و در آثار فیلسوفان مسلمان همچون ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و دیگران درباره آن بحثی مستوفی شده است. فیتز

جرالد برگردانی از آن را به زبان انگلیسی ترتیب داد؛ ولی باید اذعان داشت که اثر جامی، بهترین اثر روایی داستان است.» (موریسن و دیگران، ۱۳۸۰: ۴۰۹)

#### ۴- بحث و بررسی

##### ۴-۱- مقایسه خویشتن کاریها و عناصر اصلی و پیونددهنده

«نخستین قدم در تحقق فرضیه پراپ، شناخت و تعیین عناصر ثابت و متغیر در قصه بود. وی واحدهای سازنده روایت را «کارکرد» نامید. مترجمان فارسی زبان (function) را به کارکرد، خویشتن کاری، کنش و نقش ویژه ترجمه کرده اند. خویشتن کاری یا کارکرد یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نقطه نظر اهمیت که در جریان عملیات دارد تعریف می شود.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۵۲)

پراپ معتقد است «خویشتن کاریها عناصر بنیادی قصه را تشکیل می دهند، در کنار اینها، اجزای سازایی هستند که گر چه تکامل و پیشرفت عملیات قصه را تعیین نمی کنند، با وجود این دارای اهمیت فراوان هستند.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵) وی این عناصر را، عناصر پیوند دهنده می نامد.

در پژوهش حاضر تمامی کارکردهای اصلی و پیونددهنده داستان همای و همایون و سلمان و افسان استخراج شده و همراه با شواهد شعری ذکر شده است در این مقاله به خاطر جلوگیری از اطاله کلام فقط به ذکر نام کارکردها و نوع آن بسنده کرده ایم.

##### جدول (۱-۲) خویشتن کاریهای اصلی و فرعی

سلمان و افسان			همای و همایون		
اصلی یا پیوند دهنده	خویشتن کاریها	ردیف	اصلی یا پیوند دهنده	خویشتن کاریها	ردیف
اصلی	نیاز a	۱	اصلی	غیبت β	۱
اصلی	میانجی گری یاربگر B	۲	اصلی	قدغن δ	۲
اصلی	رفع کمبود K	۳	اصلی	نقض نهی γ	۳
اصلی	شرارت A	۴	اصلی	خبرگیری [۱]	۴
اصلی	نیرنگ [۲]	۵	اصلی	خبردهی [۳]	۵
اصلی	همکاری ناخواسته θ	۶	اصلی	نیرنگ [۴]	۶
اصلی	غیبت β	۷	اصلی	همکاری ناخواسته θ	۷
اصلی	قدغن δ	۸	اصلی	کمبود a	۸
اصلی	نقض نهی γ	۹	اصلی	یا شرارت A	
اصلی	مقابله آغازین C	۱۰	اصلی	میانجی گری B	۹

اصلی	عزیمت و فرار ↑	۱۱	اصلی	مقابله آغازین C	۱۰
اصلی	انتقال به سرزمین دیگر G	۱۲	اصلی	عزیمت ↑	۱۱
اصلی	خبرگیری [۲]	۱۳	اصلی	اولین بخشنده D	۱۲
اصلی	خبردهی [۳]	۱۴	اصلی	واکنش قهرمان E	۱۳
اصلی	دریافت عامل جادویی F	۱۵	اصلی	دریافت عامل جادویی F	۱۴
اصلی	تدبیر E	۱۶	اصلی	انتقال به سرزمین دیگر G	۱۵
اصلی	بازگشت ↓	۱۷	اصلی	علامت گذاری J	۱۶
اصلی	نجات R <sub>s</sub>	۱۸	اصلی	رسیدن به شکل ناشناس O	۱۷
اصلی	مجازات U	۱۹	اصلی	افشاگری Ex	۱۸
اصلی	بخشنده D	۲۰	اصلی	تعقیب Pr	۱۹
اصلی	عروسی W	۲۱	اصلی	نجات R <sub>s</sub>	۲۰
§	گفت و گو	۲۲	اصلی	کارسخت M	۲۱
§	آگاهانیدن	۲۳	اصلی	انجام کار سخت N	۲۲
§	انگیزه	۲۴	اصلی	تغییر شکل T	۲۳
			اصلی	رفع شر K	۲۴
			اصلی	بازگشت ↓	۲۵
			اصلی	ادعای قهرمان دروغین L	۲۶
			اصلی	مبارزه H	۲۷
			اصلی	پیروزی I	۲۸
			اصلی	مجازات U	۲۹
			اصلی	عروسی W	۳۰
			§	انگیزه mot	۳۱
			§	گفت و گو	۳۲
			§	آگاهانیدن	۳۳
			§	ترتیب دادن مهمانی	۳۴
			§	رفتن به شکار	۳۵

بررسی جدول خویشکاری های اصلی و پیوند دهنده بیان گر این است:  
در داستان همای و همایون، سی و پنج کارکرد وجود دارد؛ سی کارکرد اصلی و پنج کارکرد جزء عناصر پیونددهنده محسوب می شود.

در داستان سلمان و اقبال بیست و چهار کارکرد وجود دارد؛ بیست و یک کارکرد اصلی و سه کارکرد جزء عناصر پیونددهنده محسوب می شوند.

برخی از کارکردهای همای و همایون مثل؛ کارکردهای مبارزه، پیروزی، تغییر شکل، مجازات شیر، ادعای قهرمان دروغین، رسیدن به صورت ناشناس، افشاگری، در داستان سلمان و اقبال وجود ندارد. کاهش کارکردهای پراپ در سلمان و اقبال بیشتر از همای و همایون است. در هر دو اثر جایابی کارکردها با کارکردهای مد نظر پراپ مشهود است.

#### ۴-۲- همسان گردی

مراد پراپ از همسان گردی «مواردی است که یک خویش کاری واحد، معنای ریخت شناسی دوگانه ای دارد.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۴۵) در هر دو اثر همای و همایون و سلمان و اقبال مواردی از همسان گردی مشهود است.

در داستان همای و همایون؛ پیروزی همای بر زند جادو معنای ریخت شناسی دوگانه دارد که هم زمان بر حریف غلبه می کند (l) و با کشتن وی کارکرد رفع شر (K) و کار سخت (N) را نیز با موفقیت انجام می دهد. همای با آزاد کردن پری زاد از زندان زند جادو، اسیری را آزاد کرده (K) و با شکستن طلسم این کار سخت (N) را با موفقیت انجام می دهد.

- وقتی همایون درخواست های همای را نقض ( $\delta^1$ ) می کند به وی فرمان می دهد ( $\gamma^2$ ) او را فراموش کند و با طرد کردن او به نوعی در ایجاد شرارت ( $A^9$ ) نیز دست دارد.

در داستان سلمان و اقبال حکیم به عنوان میانجی گر (B) مکرر از زیبایی زهره با سلمان صحبت می کند (S) تا این که سلمان به زهره علاقه مند می شود حکیم با سخنان خود سعی در اغوای سلمان دارد و به نوعی در شرارت افسون کردن وی نقش دارد. (A)

علاقه مندی سلمان به زهره معنای ریخت شناسی دو گانه ای دارد علاوه بر نیاز به زهره (a) کارکرد رفع کمبود (K) و همکاری ناخواسته ( $\theta$ ) در برابر اغوای حکیم نیز مطرح است.

#### ۴-۳- مقایسه صحنه آغازین:

«صحنه آغازین معرف اطلاعات اولیه در مورد شخصیت های قصه و وضعیت تعادل حاکم بر آن، قبل از وقوع شرارت یا کمبود است. این صحنه با آن که یک خویش کاری محسوب نمی شود، با وجود این، عنصر ریخت شناسی بسیار مهمی است.» (پراپ، ۱۳۶۸: ۶۰)

«صحنه آغازین توصیفی از جزئیات عرضه می دارد، گاهی بر خوشبختی و رفاه زندگی تأکید می گذارد. این خوشبختی و به روزی طبیعتاً به مثابه زمینه متضادی است برای بدبختی و روزگار سختی که از پس فرا می رسد.» (پراپ، ۱۳۶۸: ۶۲)

در هر دو اثر در آغاز داستان اصلی و داستان های فرعی صحنه آغازین وجود دارد.

جدول (۴-۳-۱) نوع صحنه آغازین و بسامد آن

ردیف	صحنه آغازین $\alpha$	هما	نام داستان	سلام آن	نام داستان
۱	توصیف خوشبختی و حالت تعادل خانواده که منجر به عدم تعادل می‌شود.	۱	زندگی منوشنگ	.	.
۲	توصیف خوشبختی خانواده که منجر به عدم تعادل شده و در نهایت منجر به تعادل می‌شود.	۴	همای، فرینوش، بهزاد، پهرشاه	۲	سلام آن و پدرش

بررسی جدول صحنه آغازین بیان‌گر این است؛ در هر دو داستان در صحنه آغازین توصیف خوشبختی و حالت تعادل زندگی قهرمان و شخصیت‌های دیگر داستان است که شرارت‌ها زمینه را برای عدم تعادل زندگی فراهم می‌کند که در نهایت با رفع شرارت و کمبودها حالت تعادل نهایی برقرار می‌شود. در داستان همای و همایون حالت تعادل زندگی پادشاه منوشنگ با رفتن همای بر هم می‌خورد و چون وی قبل از بازگشت همای فوت می‌کند حالت تعادل نهایی در زندگی وی برقرار نمی‌شود. در سایر داستان‌های همای و همایون و سلامان و ابسال حالت تعادل نهایی در زندگی شخصیت‌ها برقرار می‌شود.

#### جدول (۲-۳-۴) ساختار کلی

ساختار	همای و همایون	سلامان و ابسال
تعادل اولیه	همای بزرگ می‌شود گوی دانش را از همه می‌رباید	سلامان بزرگ شده و در همه علوم و فنون مهارت دارد
بهرهم خوردن تعادل	با دیدن تصویر همایون عاشق گشته و خانه را ترک می‌کند	سلامان شیفته ابسال می‌شود.
شر	اسیر شدن، مبارزه با جادوگر و زندانی شدن توسط فغفور	شرارت ابسال برای فریفتن وی و ملامت پدر و حکیم
تعادل مجدد	رهایی از اسارت و زندان و پیروزی بر زند جادو	فرار با ابسال و رهایی از ملامت پدر
تعادل نهایی	ازدواج با همایون و نشستن بر تخت پادشاهی پدر	ازدواج با زهره و نشستن بر تخت پادشاهی پدر



هر دو اثر از نظر ساختار کلی حکایت، ساختار یکسان و مشابهی دارند.

#### ۴-۴- مقایسه راه های ترکیب حکایات:

پراپ «قصه را آن گسترش و تطویری می داند که از شرارت (A) یا کمبود (a) شروع می شود و با گذشت از خویش کاری های میانجی به ازدواج (W) یا به خویش کاری های دیگری که به عنوان پایان قصه به کار گرفته شده است، می انجامد. وی این گونه بسط و تحوّل در قصه را اصطلاحاً «حرکت» می نامد جدا کردن یک حرکت همواره کار آسانی نیست. هر شر یا کمبود جدیدی که در مسیر قصه روی می دهد حرکت دیگری آغاز می کند.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۸۳)

داستان همای و همایون یک قصه ده حرکتی و داستان سلمان و اقبال یک قصه چهار حرکتی است. در پژوهش حاضر، برای تمام حرکت های همای و همایون و سلمان و اقبال جداول مستقلی تنظیم شده است از آنجا که آوردن همه موارد موجب اطالۀ کلام می شد لذا در این قسمت برای هر داستان یک جدول از کل حرکت ها تنظیم گردید:

#### ۴-۴-۱- خلاصه داستان همای و همایون و کارکردها و حرکات

۱- پایان حرکت اول	منوشنگ پادشاه سرزمین شام بود، همه سرزمین روم و شام فرمانبردار او بودند. $\alpha$ تنها کمبود $a$ وی نداشتن فرزند بود. با عنایت الهی صاحب پسری به نام همای شد. $1$ همای بزرگ شد، در تمامی علوم مهارت پیدا کرد. $\alpha$ روزی به سبب دلتنگی $a$ می خواهد به شکار $\beta$ برود. پدرش به وی می گوید زود برگردد $\gamma$ اما همای به تعقیب گوری $\delta$ رفته $\beta$ و بر نمی گردد. $\delta$ همای به اقامت گاه پری می رسد با دیدن تصویر همایون عاشق وی شده $a$ و همراه همزاد خود بهزاد، راهی ختن می شود $C \uparrow$ در راه توسط سمندون زنگی اسیر شده $A$
۲- پایان حرکت دوم	و نجات می یابد $\beta$ و به راه خود ادامه می دهد. مردم خاور زمین $D$ ایشان را دیده و همای را به پادشاهی برگزیدند $2.W$ در جشن $\beta$ پادشاهی همای، بهزاد با دیدن آذر افروز عاشق وی می شود. $3$ روزی همای به شکار $\beta$ می رود و سواری دیده $O$ و وی را می شناسد $Q$ که
۳- حرکت سوم (ناتمام)	فهر شاه پسر عموی پدرش است. $4$ فهر شاه به دربار همای می آید با دیدن شمسۀ خاوری عاشق $a$ وی شده و با شنیدن پاسخ منفی شمسه با ناامیدی بر می گردد $5$ . $a$ همای با دیدن خوابی به یاد همایون $a$ افتاده و دوباره راهی ختن می شود $C \uparrow$ در راه توسط سعد
۴- حرکت چهارم (ناتمام)	بازرگان $D$ از ماجرای شرارت زند جادو $A$ باخبر شده به دژ رفته طلسم $N$ ها را شکسته $M$ با زند جادو مبارزه $H$ کرده و وی را می کشد $I$ پری زاد دختر عموی همایون را نجات داده $U$ به ملاقات همایون می آید نگرهبان همایون مانع وی شده همای وی را کشته و این خبر به
۵- حرکت پنجم (ناتمام)	گوش $\beta$ فغفور (پدر همایون) می رسد و دستور زندانی کردن همای را می دهد. $6$ همای زندانی می شود $A$ توسط سمن رخ (باریگر) آزاد می شود به نزد همایون می آید اما همایون به وی می گوید به نزد دلبرت
۶- پایان حرکت ششم	سمن رخ برو همای آواره صحرا $\beta$ می شود. $7$ همایون پس از طرد همای $A$ پشیمان شده به دنبال وی می رود $\beta$ با تغییر قیافه $T$ وی را آزموده و با او مبارزه $H$ می کند، همای وی را می شناسد با هم به دیری می روند لشکریان به دنبال همایون آمده آنها را محاصره می -

<p>۷- حرکت هفتم</p> <p>۸- پایان حرکت هشتم</p> <p>۹- آغاز حرکت نهم و پایان داستان همای</p> <p>۱۰- پایان حرکت سوم و پنجم</p>	<p>کنند Pr همای تیری به طرف آنها می‌اندازد Ed لشکریان با دیدن نام همای بر روی تیر، وی را می‌شناسند Q و فغفور با دادن وعده دروغین ازدواج η به همای، آنها را بر گردانده ↓ و همایون را زندانی کرده و به دروغ خبر مرگ λ وی را اعلام می‌کند و همای دوباره آواره صحرا β می‌شود. فرینوش پسر وزیر فغفور با دیدن پری‌زاد عاشق وی a می‌شود از راز زندانی شدن همایون باخبر شده § همراه بهزاد به جستجوی C ↑ همای رفته و وی را برمی‌گرداند ↓ همای به زندان آمده همایون را نجات می‌دهد و در نبرد H با فغفور وی را کشته U با همایون ازدواج W می‌کند. ۹. پری‌زاد را به عقد فرینوش و آذرافروز را به عقد بهزاد در می‌آورد W و به شام بر می‌گردد. ↓ ۱۰</p>
--	---

#### ۴-۲- خلاصه داستان سلامان و ابدال و حرکت‌ها

<p>۱- پایان حرکت اول</p> <p>۲- پایان حرکت دوم</p> <p>۳- پایان حرکت سوم</p>	<p>پادشاهی در یونان بود، همه اسباب دولت برایش فراهم بود α تنها کمبودش a در زندگی نداشتن فرزند بود. به کمک حکیمی B خردمند صاحب فرزندی K به نام سلامان شد. ۱. برای شیر دادن فرزندش دایه‌ای به نام ابدال را انتخاب کرد. سلامان بزرگ شد و در تمامی علوم و فنون مهارت پیدا کرد α پس از رسیدن به سن بلوغ زیبایی سلامان به حد کمال رسید ابدال شیفته او شد و با حيله [۱] و ترفند سلامان را گرفتار عشق A خود کرد. و با غیبت سلامان β پادشاه از راز دلدادگی سلامان θ به ابدال آگاه شد § و سلامان را از این عشق نهی δ کرد و به او دستور داد γ معشوقه اش را رها کند. سلامان با معشوقه اش از مملکت شاه فرار C ↑ و به بیشه‌ای G پناه برد. ۲. با رفتن سلامان، پادشاه احساس نیاز a می‌کرد شاه از همه جا پرس و جو [۲] کرد اما خبری کسب نکرد § با آئینه جهان‌نمای f خود آنها را پیدا کرد و با قدرت خود مانع وصال آنها شد. سلامان به نزد پدر بازگشت ↓ سلامان و ابدال به قصد خودکشی، خود را در آتش افکندند C. شاه سلامان را نجات داد R § و ابدال را به حال خود رها کرد تا بسوزد U با مردن ابدال پادشاه از شر وی K آسوده شد. ۳. سلامان در هجر معشوق a بسیار بی‌تابی کرد. شاه از حکیم مشاور خود یاری خواست D و حکیم صورتی از ابدال ساخت E تا سلامان کمتر بی‌تابی کند اما مکرر از زیبایی زهره با سلامان سخن می‌گفت § سلامان مشتاق دیدار زهره شد و با دیدن زهره و ازدواج با وی W یاد ابدال را از خاطر زدود K پادشاه از سلطنت کناره‌گیری کرد و تاج و تخت را به سلامان داد. ۴.</p>
--	--

۴- پایان حرکت چهارم	
---------------------	--

حرکت های دو اثر به اشکال ذیل با هم ترکیب شده اند.

**جدول (۴-۵) ترکیب حکایت ها:**

سلامان و ابدال				همای و همایون				
شماره حرکت ها	بسامد	پایان	آغاز	شماره حرکت ها	بسامد	پایان	آغاز	ردیف
۱	۱	K <sup>۶</sup>	a <sup>۶</sup>	۱	۱	K <sup>۶</sup>	a <sup>۶</sup>	۱
۳	۱	K <sup>۱۶</sup>	a <sup>۶</sup>	۱۰،۹،۲	۳	w*	a <sup>۶</sup>	۲
۴	۱	w*	a <sup>۱</sup>	۵	۱	w*	a <sup>۱</sup>	۳
۲	۱	G <sup>۲</sup>	a <sup>۱۶</sup>	۶	۱	l <sup>۱</sup>	a <sup>۱</sup>	۴
				۷	۱	β <sup>۳</sup>	A <sup>۱۵</sup>	۵
				۸	۱	β <sup>۳</sup>	A <sup>۹</sup>	۶
				۳	۱	w*	β <sup>۳</sup>	۷
				۴	۱	Q	O	۸

بررسی جدول ترکیب حرکت ها نشان می دهد:

- در داستان همای و همایون شش حرکت با نیاز، دو حرکت با شرارت، یک حرکت با غیبت قهرمان و یک حرکت با رسیدن به صورت ناشناس آغاز می شود.

- از ده حرکت داستان همای و همایون، سه حرکت (۱۰، ۹، ۲) آغاز و پایان مشترک دارند.

- در داستان سلامان و ابدال هر چهار حرکت با نیاز شروع می شود و هر چهار حرکت آغاز مشترک دارند. و دو حرکت آغاز و پایان مشترک دارند.

**۴-۵- مقایسه نوع بسط داستان**

طبق الگوی پراپ شاهد چهار نوع بسط داستان هستیم: بسط از طریق خویش کاری H-I (جنگ و کشمکش). بسط از طریق خویش کاری M-N (انجام کار دشوار). بسط از طریق دو خویش کاری H-I و M-N (کشمکش و کار دشوار). بسط بدون هیچ یک از اینها. (پراپ، ۱۳۸۶: ۲۰۱)

**جدول (۴-۵) مقایسه بسط داستان**

بسط پراپ	همای و همایون	سلامان و ابدال
----------	---------------	----------------

ردیف	نوع بسط	بسامد	شماره حرکت	بسامد	شماره حرکت
۱	(H-I)	۲	۸،۹	۰	۰
۲	(M-N)	۰	۰	۰	۰
۳	(M-N, H-I)	۱	۶	۰	۰
۴	بدون (M-N, H-I)	۷	۵، ۴، ۳، ۲، ۱، ۱۰، ۷	۴	۴، ۳، ۱، ۲

جدول بسامد حرکت‌ها بیانگر این است که:

در داستان همای و همایون:

- ۱- بسط دو حرکت از طریق خویشکاری های جفت H-I (جنگ و کشمکش) است. لازم به ذکر است آغاز حرکت‌ها با کشمکش و درگیری نیست اما حرکت‌های مذکور دربردارنده خویشکاری های H-I هستند.
  - ۲- بسط یک حرکت از طریق دو خویشکاری H-I و M-N (کشمکش و کار دشوار) است. حرکت ششم که داستان نبرد همای با زند جادو است.
  - ۴- بسط شش حرکت دیگر داستان همای و همایون، بدون دو خویشکاری H-I و M-N است.
- در داستان سلمان و ابسال؛ بسط هر چهار حرکت از نوع چهارم است.

#### ۴-۶- مقایسه شخصیت‌ها:

«شخصیت‌ها افرادی هستند که در یک نمایش‌نامه یا اثر روایی دارای ویژگی اخلاقی و آگاهانه پیش‌شناخته‌اند. این ویژگی‌ها در گفتار و عملشان نشان داده می‌شود.» (عبداللہیان، ۱۳۸۰: ۵۲)

«پراپ ۷ نوع شخصیت ذکر می‌کند: قهرمان، شاهدخت، بخشنده یا پیشگو، یاریگران، فرستنده، بدکار و شریر، قهرمان دروغین یا شیاد.» (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۵)

در نگاه کلی می‌توان شخصیت‌های همای و همایون را به دو نوع شخصیت واقعی و فراطبیعی و شخصیت‌های سلمان و ابسال را به دو نوع شخصیت واقعی و شخصیت تمثیلی تقسیم‌بندی کرد.

#### جدول (۴-۶) بسامد شخصیت‌ها

ردیف	شخصیت‌های پراپ	همای و همایون		سلمان و ابسال	
		بسامد	واقعی	فرا طبیعی	بسامد
۱	قهرمان	۴	۴	۰	۲
۲	شاهدخت	۴	۴	۱	۱
۳	بخشنده	۶	۵	۱	۲
۴	یاریگران	۵	۴	۱	۲
۵	فرستنده	۲	۰	۲	۲
۶	شریر	۴	۲	۲	۱
۷	ضد	۲	۲	۰	وجود

		ندارد			قهرمان	
--	--	-------	--	--	--------	--

بررسی جدول شخصیت‌ها بیانگر این است که:

- هر هفت شخصیت مد نظر پراپ، در همای و همایون وجود دارد. شخصیت های بخشنده و یاری‌گر بیشترین بسامد و شخصیت های ضد قهرمان و فرستنده کمترین بسامد را دارند.
- شخصیت‌های واقعی، انسان و شخصیت‌های فراطبیعی پری و دیو هستند. بسامد شخصیت‌های واقعی در این اثر بیشتر از شخصیت‌های فراطبیعی است.
- از هفت شخصیت مد نظر پراپ، شش شخصیت در سلامان و ابدال وجود دارد و شخصیت فرستنده در این اثر وجود ندارد. شخصیت‌های واقعی، انسان و شخصیت‌های تمثیلی، حیوانات هستند. بسامد شخصیت‌های واقعی بیشتر از شخصیت‌های تمثیلی است.

#### ۴-۷- مقایسه صفات شخصیت‌ها:

مراد پراپ از صفات «مجموعه همه خصائص ظاهری قهرمانان مانند: سن، جنس، مقام، ظاهر و جزئیات سیما و ظاهر و مانند این هاست. این صفات به قصه، درخشندگی و زیبایی ویژه‌ای به آن می‌بخشد.» (پراپ، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

در آغاز هر دو اثر ضمن معرفی قهرمان و شخصیت‌های قصه، خصوصیات و صفات اشخاص قصه توصیف شده است.

#### جدول (۴-۷) صفات شخصیت‌ها

ردیف	نوع توصیف	بسامد	نام شخصیت‌ها	بسامد	نام شخصیت‌ها
۱	معرفی شخصیت و توصیف مفصل جزئیات	۱	همای	۱	سلامان
۲	معرفی شخصیت و توصیف خصوصیات ظاهری وی به اجمال	۱۰	منوشنگ، فرینوش، شمسه خاوری، پری، زند جادو بهزاد، آذرافروز، پریزاد، سمن رخ، فغفور	۱	پادشاه یونان

بررسی جدول صفات شخصیت‌ها بیانگر این است که در داستان همای و همایون و سلامان و ابدال دو نوع توصیف وجود دارد. توصیفی که در مورد شخصیت اصلی و قهرمان داستان (همای و سلامان) است در

معرفی شخصیت قهرمان تمام خصوصیات ظاهری و جزئیات زندگی وی و مهارت‌ها و توانایی‌های وی در سنین مختلف توصیف شده است. اما در توصیف شخصیت‌های فرعی داستان، معرفی شخصیت، نام و نسب و نژاد و برخی از خصوصیات ظاهری آنها به اجمال توصیف شده است.

#### مثال: توصیف همای:

نیارست زد چرخ با او دو چار  
به زربخششی آب از کریمان ببرد  
(خواجو، ۱۳۷۰: ۲۷)

به خوبی بزد بر فلک چار طاق  
ز شب چنبر افکند بر قرص ماه ...  
ز دانشوران گوی دانش ببرد ...  
چنان شد که شد داستان در علوم  
بر منطقتش آب گشتی روان  
شه چرخ را مات کردی به رخ  
(خواجو، ۱۳۷۰: ۲۶)

چو گذشت از سال عمرش دو چار  
به سر پنجه دست از نریمان ببرد

چو سالش به چار اوفتاد اتفاق  
گره کرد بر لاله مشک سیاه  
ملک چون به آموزگارش سپرد  
ز اقلیدس و نحو و طب و نجوم  
ز قسمی که کردی معانی بیان  
چو کردی فروزان به شطرنج رخ

#### توصیف سلامان:

چست بستی جامه بر بالای او...  
آفتابی گشته از یک نیزه بلند  
با هلال منخسف کرده قران ...  
در میان ماه کافوری الف  
جلوه گاهش در میان لاله زار ...  
(جامی، ۱۳۸۲: ۱۵۷)

بود چابکتر سلامان از همه  
گوی مه بود و سلامان آفتاب  
(همان، ۱۵۹)

سرمه کردی نرگس شهلاهی او  
با قد چون نیزه بود آن دلپسند  
جبهه اش بدر و از او نیمی نهان  
بینی اش زیر هلال منخسف  
چشم مستش آهوی مردم شکار

گرچه بودی زخم چوگان از همه  
گوی بردی از همه با صد شتاب

#### ۵- نتیجه

با مقایسه ساختاری داستان‌های همای و همایون و سلامان و ابسال با الگوی پیشنهادی پراپ می‌توان نتیجه گرفت:

۱-۳- بررسی کارکردهای همای و همایون، بیانگر این است که؛ از سی و یک کارکرد پراپ، سی کارکرد در داستان همای و همایون وجود دارد و به غیر از کارکرد نشان گذاشتن و داغ کردن بقیه کارکردها مطابق با الگوی پراپ است. در توالی کارکردها جایابی اندک با الگوی پراپ دیده می‌شود. توالی کارکردها تا شماره ۱۳ کاملاً با الگوی پراپ مطابقت داشته اما از شماره ۱۴ به بعد توالی کارکردها با اندکی جایابی با الگوی پیشنهادی پراپ آمده است.

در داستان سلمان و ابسال، با وجود جا به جایی برخی کارکردها از سی و یک کارکرد پراپ بیست و یک کارکرد وجود دارد. خود پراپ گفته است که تمام کارکردهای پیشنهادی او در تمام قصه ها دیده نمی شود. در هر دو اثر همای و همایون و سلمان و ابسال پدیده همسان گردی مشهود است یعنی یک کارکرد معنی ریخت شناسی دوگانه دارد.

۲-۳- صحنه آغازین، در هر دو داستان طبق الگوی پراپ، توصیف خوشبختی و رفاه خانواده است که با ایجاد شرارت زمینه برای بدبختی فراهم می شود و با رفع شرارتها و کمبودها حالت تعادل نهایی در زندگی برقرار می شود.

بر اساس جدول (۵-۲) پنج صحنه آغازین همای و همایون و سلمان و ابسال از این الگو پیروی می کنند تنها داستان منوشنگ با این الگو کمی تفاوت دارد چون منوشنگ قبل از بازگشت نهایی همای فوت می کند لذا حالت تعادل نهایی در زندگی وی برقرار نمی شود.

در نگاه کلی می توان گفت: هر دو اثر از نظر نوع صحنه آغازین ساختار مشابهی دارند.

۳-۳- از نظر نوع حرکتها مشخص می شود حرکت های داستان همای و همایون براساس مورد (۲) از تقسیم بندی پراپ می باشد یعنی حرکت جدیدی پیش از پایان حرکت اول شروع می شود. داستان اصلی، در مورد همای و همایون است در مسیر این داستان، داستان های متداخل دیگری نیز مطرح می شود. با شروع هر داستان و حرکت جدیدی، داستان همای و همایون ناتمام می ماند و پس از ماجرای فرعی دوباره داستان اصلی ادامه می یابد.

اما حرکت های داستان سلمان و ابسال بر اساس مورد (۱) از تقسیم بندی پراپ می باشد. یک حرکت مستقیماً حرکت دیگر را دنبال می کند.

۴-۳- از نظر بسط داستان سه مورد از تقسیم بندی پراپ در داستان همای و همایون مشهود است یعنی؛ بسط از طریق خویش کاری های کشمکش و پیروزی (H-I)، بسط از طریق هر دو خویش کاری های (H-I و M-N) و بسط بدون این خویش کاری ها.

در داستان سلمان و ابسال نوع بسط هر چهار حرکت، نوع چهار تقسیم بندی پراپ است یعنی داستان بدون خویش کاری های H-I (جنگ و کشمکش) و خویش کاری های M-N (انجام دادن کار دشوار) بسط و گسترش یافته است. در هر دو داستان سلمان و ابسال بسط نوع چهار پراپ بیشترین بسامد را دارد.

۵-۳- از نظر شخصیت ها هر ۷ شخصیت مطرح شده در الگوی پراپ با شخصیت های همای و همایون مطابقت دارد. در داستان سلمان و ابسال از ۷ شخصیت مطرح شده در الگوی پراپ شش شخصیت در این داستان وجود دارد.

از نظر نوع شخصیت ها، بسامد شخصیت های واقعی در هر دو اثر بیشتر از شخصیت های فراطبیعی و تمثیلی است.

۶-۳- از نظر توصیف صفات شخصیت ها هر دو اثر ساختار مشابهی دارند. در معرفی و توصیف قهرمان اصلی داستان، جزئیات زندگی وی در سنین مختلف به تفصیل بیان شده است اما در معرفی و توصیف سایر شخصیت ها موارد فوق به اجمال بیان شده است.

نتایجی که از تجزیه و تحلیل منظومه همای و همایون و سلمان و ابسال به دست آمد، اگر چه نه به

صورت جزبه جز و دقیق، اما بسیار با نتایج تجزیه و تحلیل پراپ مطابقت دارد و الگوی ساختاری این داستان-ها موافق با الگوی پراپ و داستان‌های عامیانه است و هر دو اثر ساختار مشابهی دارند.



## ۶- منابع

### الف: کتاب‌ها

- احمدی، بابک، (۱۳۸۶)، ساختار و تاویل متن، چاپ نهم، تهران: نشر مرکز.  
- اسکولز، را برت، (۱۳۸۳)، در آمدی بر ساختارگرایی در ادبیات، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.  
- ایگلتون، تری، (۱۳۸۸)، پیش در آمدی بر نظریه‌های ادبی، چاپ پنجم، ترجمه عباس مخبر، تهران: نشر مرکز.  
- برتنس، هانس، (۱۳۸۳)، مبانی نظریه ادبی، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: نشر ماهی.  
- پراپ، ولادیمیر، (۱۳۸۶)، ریخت‌شناسی قصه پریان، چاپ دوم، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: چاپ توس.  
- جامی، عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، سلمان و اقبال، چاپ اول، با مقدمه محمد روشن، تهران: انتشارات اساطیر.  
- جلالی‌پور، بهرام، (۱۳۹۱)، ریخت‌شناسی قصه‌های اساطیری و پهلوانی شاهنامه فردوسی براساس روش ولادیمیر پراپ، چاپ اول، تهران: انتشارات افراز.  
- خدیش، پگاه، (۱۳۸۷)، ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.  
- خواجهی کرمانی، کمال‌الدین ابوعطا، (۱۳۷۰)، همای و همایون، چاپ اول، تصحیح کمال عینی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- ریپکا، یان، (۱۳۸۳)، تاریخ ادبیات ایران، با ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات سخن  
- سبحانی، توفیق، (۱۳۷۹)، تاریخ ادبیات ۲، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.  
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۲)، تاریخ ادبیات ایران، جلد ۴/۳/۲، تهران: انتشارات فردوسی.  
- عبادزاده کرمانی، محمّد، (۱۳۷۲)، فرهنگ‌سازان، چاپ دوم، تهران: انتشارات قصه جهان‌نما.  
- عبدالهیان، حمید، (۱۳۸۰)، چاپ اول، شخصیت و شخصیت‌پردازی در داستان معاصر، تهران: انتشارات آن.  
- مورینسن، جرج، و دیگران (جولیان بالدیک، محمد رضا شفیعی کدکنی، یرژی چیپیک، یان ماریک، فلیکس تاور)، (۱۳۸۰)، ادبیات ایران از آغاز تا امروز، چاپ اول، ترجمه یعقوب آژند، نشر گستره.

### ب: مقالات

- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۹)، «ریخت‌شناسی افسانه گل بکاولی»، فصلنامه فنون ادبی دانشگاه اصفهان، سال دوم، شماره ۱، (از ۴۹ تا ۶۲).  
- بیات، سعیدرضا و همکاران، (۱۳۷۷)، «ریخت‌شناسی و ریشه‌شناسی»، کتاب ماه (هنر)، شماره ۲، (از ۱۲ تا ۱۴).  
- پارسا، سید احمد و صلواتی، لاله، (۱۳۸۹)، «ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی»، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال دوم، شماره چهارم، (از ۴۷ تا ۷۸).  
- روحانی، مسعود و عنایتی قادیکلایی، محمّد، (۱۳۹۰)، «بررسی قصه دیوان در شاهنامه فردوسی براساس نظریه ریخت‌شناسانه ولادیمیر پراپ»، پژوهش‌نامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اصفهان، سال سوم، شماره ۱، (از ۱۰۵ تا ۱۲۲).  
- روحانی، مسعود و اسفندیار، سبیکه، (۱۳۸۹)، «ریخت‌شناسی قصه قلعه ذات‌الصور در مثنوی طبق نظریه ولادیمیر پراپ»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، سال ۵۳، شماره ۲۲۰، (از ۶۷ تا ۸۳).

- عباسی، سکینه، (۱۳۸۹)، «نقد و بررسی قصه گنبد سفید»، (بر اساس قصه هفتم منظومه هفت پیکر حکیم نظامی گنجوی)، فصلنامه کاوش نامه، سال یازدهم، شماره ۲۰، (از ۲۰۳ تا ۲۲۴).
- قافله باشی، سید اسماعیل و بهروز، سیده زیبا، (۱۳۸۶)، «نقد ریخت شناسی حکایت های کشف المحجوب و تذکره الاولیاء»، فصلنامه پژوهش های ادبی، سال ۵، شماره ۱۸، (از ۱۴ تا ۱۷).
- یوسفی نیکو، عبدالمجید، (۱۳۸۹)، «ریخت شناسی داستان پیامبران در تفسیر طبری و سورآبادی»، فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، سال یازدهم، شماره ۲۱، (از ۱۱ تا ۱۴).